

((جلسه مخصوص فدک ... جلسه شانزدهم امامت در فدک))

روز ۲۲ صفر ۱۴۳۸ و روز ۲ آذر ۱۳۹۵ و روز ۲۲ ماه نوامبر ۲۰۱۶ میلادی، در خدمت شما هستیم به مدیریت و پذیرایی آقای محسن احمدی. یک شکر به اندازه دنیا به خدا بدهگاریم. روز سه شنبه هست. "الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما كنا لنهتدی لو لا أن هدانا الله... که زائران کربلا، ۲۵ میلیون نفر در مانیتور دنیا رفتند زیارت و دارند برمیگردند، الحمد لله همه سالم و صحیح و درست. خیلی مسأله هست، خیلی مسأله هست. "الحمد لله الذی جعلنا من المتمسکین بولایت امیرالمومنین و اولادهم المعصومین و ... الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما كنا لنهتدی لو لا ان هدانا الله..." و یکی از شکرهایمان این است که دشمن ترین دشمن امام حسین و اهل بیت آمده مصاحبه کرده، یکی از مفتی های عربستان، که آن شب ما در جلسه مان فیلمش را گذاشتند بچه ها با ترجمه اش، "ارعوض (نام آن مفتی)" و گفته که امام حسین (ع) اینی که دارند میروند زیارتش، این خوب است، حق است، امام شیعیان هست. بهش گفتند تو شیعه شدی؟ گفت نه، اما او چون فرزند پیغمبر هست و پیغمبر هم خیلی به او علاقه داشته، باید در شهادتش گریه و عزاداری کرد (به این مضمون). او امام ما هم هست. جالبه این. این را شب قبل از اربعین در جلسه مان گذاشتیم که اگر فایلش را به دست آوردید همه بچه ها ببینند. ترجمه هم کردند خیلی عالی.

و باز هم تشکر میکنیم از امام حسین که ما را موفق کرد برای این کتاب ها. گزارشی هم آقای نقیبی دادند که چهار اتوبوس را کتاب دادند، ۱۶۰ تا کتاب بردند و الحمد لله مورد قبول واقع شده و توضیح دادند و از آنها برای خواندن و مطالعه تعهد گرفتند، بسیار بسیار خبر خوبی بود. اولین خبر هست از کتابها بطور مستقیم. غیر مستقیم خبر دارم البته. اما اولین خبر مستقیم از کتابها در اربعین بوده است.

عرض کنم که ما در این درس مان، امامت در خطبه فدک را صحبت میکردیم. در جمله های حضرت زهرا (س) امامت را تا آنجایی که جو اقتضا میکرد و بلد بودیم، گفتیم. من دیدم که در این ملحقات هم چه حرفهایی از ابوبکر (دشمن ترین دشمنان اهل بیت) هست که رفته به منبر و صحبت کرده و همچنین ملاقاتی که زنان مهاجران و انصار آمدند بعد از بیماری حضرت زهرا (س) و جواب های حضرت زهرا (س) و جواب هایی که حضرت به ابابکر داده، در این بخش هم جملاتی هست که مقام ولایت و امامت و خلافت رو میرساند. ما در شب و روز اربعین هم راجع به حدیث "علامات مؤمن خمس" که یکی از آنها هم زیارت اربعین است، صحبت کردیم. که این ۵ فاکتوری که در حدیث امام حسن عسکری و امام صادق (ع) آمده که علامت مؤمن پنج تاست، نماز ۵۱ رکعت، زیارت اربعین، تخریم بالیمین (انگشتر به دست راست کردن)، پیشانی را بر خاک گذاشتن، و بسم الله الرحمن الرحیم را بلند گفتن، همه اینها دو تا نکته اساسی و قله دارد. یک قله اصلی توحید است. قله دیگر ولایت و سرپرستی پیغمبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع) است. و همه اینها به هم ربط دارند که در آنجا توضیح دادیم.

عرض کنم که بعد از اینکه حضرت زهرا(س) صحبتشان با این جمله تمام شد: "فمن يعمل مثقال ذره خيراً يره، ومن يعمل مثقال ذره شراً يره". "و كَأَن الْأَمْرَ قَدْ قُضِيَ". و گویا کار در زمان اندک انجام شده و به نتیجه رسیده و آن اینکه شمایان بی وفایی کردید و نتیجه را خواهید دید. حالا اینجا ابابکر (که همان اسمش عبدالله ابن عثمان است) جواب داد: ابابکر طوری صحبت کرد که اول حضرت زهرا را تصدیق کرده و سپس چیزی را جعل کرد.

اینی که پیغمبر گفته (حضرت زهرا آیه ای را خواندند که لقد جاء رسول من انفسکم حریص علیکم بالمؤمنین رثوف رحیم) شما راست گفتید دختر رسول خدا. پدر تو نسبت به مؤمنین عطف و کریم و رثوف و رحیم بود و بر کافرین عذاب آلیم و عقاب عظیم بود. حضرت زهرا(س) بعد از این جمله در صفحه ۲۴ فرمودند که اگر نسبت او را بدانید میبینید که پدر من است نه پدر زنان شما و برادر پسرعموی من است نه رجال شما. اینجا ابابکر اعتراف کرده و گفته هر دو درست است. نسبت پیغمبر که پدر شماست و برادر پسرعموی شماست. یکی از چیزهایی که حقانیت امیرالمؤمنین را میرساند، اخوت ایشان با پیغمبر است. روزی که مؤاخات کردند، پیغمبر همه صحابه ها را دوتا دوتا با هم قرار دادند، خودشان با علی پیمان اخوت بستند. این نشان می‌دهد که علی از همه به او نزدیک تر بود. بعد شما چگونه رفتید سقیفه را به راه انداختید؟ اصلاً مولویت علی را نمیگوییم. کسی که اینقدر به پیغمبر نزدیک بود را دعوت نکردید و حتی اطلاع هم ندادید. "آثره علی کل حمیم و ساعده علی الامر عظیم". او را برگزیده برای صمیمت خود و بر امر عظیم او را مساعدت کرده. این امر عظیم چیست؟ که پیغمبر به علی و علی به پیغمبر مساعدت نموده. این امر عظیم چه بوده؟

راجع به محبت صحبت کرده. "لا یحبکم الا سعید و لا یغضبکم الا شقی بعید. و انتم عترت رسول الله". (پیامبر بارها فرمودند: انی تارک فیکم الثقلین، کتاب الله و عترتی اهل بیتی) برعترت بودن را ابابکر اعتراف کرده اینجا. و انتم عترت رسول الله و ... دلیل ها و راهنمایی های شما بر خیر و به جنت و راه بهشت، عترتند؟ عترت هستند که شما گذاشتیدشان کنار؟!!

بعد گفت که "و انت خیر النساء" ... تو ای خیره النساء و ای دختر بهترین انبیاء. راست گفتی، قولت درست است. وفور عقلت سابقه دارد. از حقت هم برگردانده نمیشوی. از صدقت هم کسی مانع نمیشود. همه این حرفهایی که گفتی درست است. اما..

سه جمله گفته اینجا: از رأی رسول الله تجاوز نکردم. عمل نکردم مگر به اذن پیغمبر. رهبر اهل خودش را تکذیب نمیکنند (یعنی من رهبرم و اهل خودم را تکذیب نمیکنم). بعد یک حدیث جعل کرده در مقابل حضرت زهرا(س). پس عترت و نسب حضرت زهرا را تکذیب نکرده و فقط یک حدیث جعل کرده از پیغمبر که گفته: نحن معاشر الانبیا لا نورث ذهباً ولا فضه و لا ارض و لا دار و ... که البته حضرت زهرا(س) نبوت را جواب دادند که پیغمبران نبوتشان ارثی نیست و از طرف خداست. ابابکر هم جوابی نداده و چیزی نگفته...

گفته پیغمبر گفته هر لقمه ای ما داشتیم، بعد از ما میرسد به ولی امر. چه کسی گفته که ولی امر تو هستی؟! اینجا ابابکر در واقع ادعای ولایت امر کرده. اول گفته ما پیامبران ارثی نمیگذاریم از طلا و نقره. بعد نبوت را مطرح کرده که حضرت زهرا(س) جوابش را داده. بعد گفته هر چه لقمه داریم برای ولی امر هست. پس معلوم می‌شود که ابابکر وقتی ولایت امر را مطرح کرده، از حرفهای حضرت زهرا(س) و جو، امامت را فهمیده و خواسته امامت را اینطوری جواب بدهد.

و ادامه داده که اینهایی که ما از شما گرفتیم را در جنگ با کفار قرار دادیم! اینها را در آن راه خرج کردیم. و این هم به اجماع مسلمین بوده. همه مسلمانان اجماع کردند! کجا همه مسلمانان اجماع کردند؟؟؟؟!

یعنی تمام این صحبت‌ها را که کرده، دارد پیشگیری می‌کند از چیزی که مردم در مسأله ولایت و امیرالمؤمنین فهمیدند. حالا دارد پیشگیری می‌کند که من به اجماع مسلمین این کار را کردم. اصلاً مسلمین مرا انتخاب کردند! کدام مسلمین؟ ۱۳، ۱۴ نفری که در سقیفه بنی ساعده بودند!

بعد هم کلک زده و ادعای مظلومیت کرده! که هر چقدر من خودم شخصاً دارم، مال تو و در مقابل تو. هر چه از اموال خودم بخواهی، به تو بدهم. یعنی حضرت زهرا(س) ادعا کرده که اموال خصوصی آقای ابابکر را بگیرد!

من بعد از خواندن خطابه غدیر و فدک، اینکه میگویند ابابکر ساده بوده و همه کلک‌ها از طرف عمر بوده... را اصلاً قبول ندارم. همه اینها ترفند بوده، او چون پیرمرد تر بوده بنشیند کنار و این بیاید کلک را بازی کند.

ادامه داد: انت سیده امت ابیک و ... تو را از مال و از فضلت دفع نمیکنم. ایشان سیده امت پدرش هستند که این حدیث را نشنیدند و فقط تو شنیدی؟! پیغمبر یک دختر بیشتر نداشته و به همین یک دختر نگفتند که تو از من ارث نمیبری؟! دخترم ناراحتی نکنی! ۱۸ سال با پیغمبر زندگی کرده و ازدواج کرده با علی و در خدمت پیغمبر بوده و پیغمبر به او بخشیده که مال خودش باشد. مال ایشان را به او ندادید و دفع کردید. همه هم می‌دانند. حالا که ایشان ادعا کرده که مال پدرم بوده و ادعای ارث میکند، ابابکر این حدیث را جعل کرد که تا آن موقع کسی نشنیده بود!

سپس حضرت زهرا(س) فرمود: سبحان الله! ما کان ابی رسول الله... روی گردان شده پیامبر از کتاب خدا که ارث را میگوید؟! ولا لأحكامه مخالفاً و ... سپس اینجا به تندی صحبت فرمودند: بی وفایی کردید، دروغ گفتید و حالا علت می‌آورید و حرف دروغ می‌زنید(که پیغمبران ارث نمیگذارند)? سپس قرآن را آوردند و راجع به ارث دوباره صحبت کردند و دو تا از پیامبران را دلیل آوردند.

دوباره ابابکر گفت: ای دختر پیامبر خدا، تو عین دلیلی. تو اصلاً خود دلیلی. من دلیلم؟! من دارم میگویم که شما غصب کردید! ابابکر: من اصلاً شما را رد نمیکنم، لیکن مسلمین بین من و شما هستند. (این جو را ایجاد کرد). این حلقه و قلاده امامت و ولایت را به گردن من انداختند و به اتفاق مسلمین آن را (فدک) گرفتیم. و ...

سپس حضرت که هنوز در مسجد بودند به مردم توجه کردند و فرمودند: هان مردمان مسلمان که به سوی سخنان باطل شتافتید، کارهای قبیح آنان را چشم پوشی کردید. قرآن را نمیفهمید؟ این کارهای بدی که کردید، باعث شد چرک ها بر قلبتان نشسته و حق را نمیفهمید. افعال شما، گوش و چشمتان را کور و کر کرده اند. چه بد تأویل کردید! چه بد اشاره کردید! چه بد چیزی را عوض کردید. سوگند به خدا که کیفر و عاقبت کارتان را سنگین و افق آینده را نافرجام خواهید دید. روایت اینطور گفته: مردم شروع کردند به گریه کردن و تمام مدینه شد گریه و اضطراب. خبر به همه رسید.

وقتی که فهمیدند که مردم چنین اوضاعی دارند، دوباره مردم را دعوت کردند در مسجد و عمر به ابابکر گفت که حکومت تو تضعیف شده و ... او به منبر رفت (تهدید کرد. اگر این کار را نمیکرد، نزدیک بود که مردم به او حمله کنند و از حق دفاع کنند) و خطاب به مردم گفت: این چه حالتی است که دارید که با هر سخنی آرزویی را می‌پروانید؟ معلوم میشود که سخنان حضرت زهرا در مردم اثر کرده بوده و جوی به راه افتاده بوده و ...

این آرزوها در عهد پیامبر شما کجا بوده؟ هر کسی که شاهد است بگوید! سپس توهین‌هایی کرد که نمیتوان گفت...

سپس تهدید کرد که: کمک از بچه‌ها میگیرند و از زن‌ها کمک میگیرند. زنان را به قیام وامی‌دارند. دیگر مردم نتوانستند چیزی بگویند.

سپس گفت: شنیدم چیزهایی میگویید، امروز که بیشتر شما باید دنبال کارهای پیامبر باشید، من پرده‌ها را برنمی‌دارم، اگر بیشتر از این حرف بزنید، شخصیت‌هایتان را معرفی میکنم!

با این حرفها جو را ترساند که در اینجا این توهین‌ها را حضرت ام سلمه (همسر باوفای پیامبر) جواب دادند که: آیا درباره زهرا(س) دختر پیامبر(ص) سخن میگویی؟ ... آیا گمان می‌کنید که پیامبر میراث را بر او حرام کرده و به او اعلام نکرده؟! ایشان که در خانه‌شان بودند، نیز شنیدند! و ادامه دادند: آیا انذار کرده پیامبر و این خبر به حضرت زهرا(س) هم رسیده و در عین حال حضرت زهرا(س) بدون حق دارند مطالبه ارث میکنند؟!!

سپس حضرت زهرا(س) از مسجد بیرون آمدند و به خانه رفتند. رافع ابن رفائه ... که از انصار بود، خدمت حضرت رفت و گفت: که اگر ابوالحسن(ع) قبل از این درباره این امر صحبت می‌کرد و برای مردم می‌گفت، کسی با غیر از ابوالحسن(ع) بیعت نمی‌کرد! (یعنی مردم دو چیز را فهمیدند، هم فدک و هم مسأله اصلی، مسأله ولایت و امامت).

حضرت فرمودند: (با تندی) دور شو از من. خداوند متعال بعد از غدیر خم برای کسی حجت و عذر دیگری قرار نداده است!

بعد از این دیگر حضرت زهرا(س) بیمار و خانه نشین شدند و از خانه دیگر بیرون نیامدند که اهل تسنن نیز نقل کرده اند.

خدایا ما را با معارف دین آشنا بفرما.

کارهای ما را مورد رضایت اهل بیت(ع) قرار ده.

صلوات.